

یادداشت‌های شهر شلوغ

هر روز سازی می‌زنند
ما هم می‌رقصیم

نقش شورای عالی امنیت ملی در گره‌گشایی از مشکلات دولت

شورای عالی امنیت ملی در دولت پزشکیان انگار بیش از همیشه فعال است و کارکرد دارد. شاهدش همین توقف اجرای قانون عفاف و حجاب که در هفته‌های اخیر جنجال آفریده بود. آلتور که ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس جمهوری گفته بود، پزشکیان اجرای این قانون را در دستور کار شورای عالی امنیت ملی قرار داد و نهایتاً نیز شاهد عدم ابلاغ آن بودیم؛ راهبردی هوشمندانه که با توجه به تبعات احتمالی اجرای این قانون لحاظ شد.

نقش بیشتر شورای امنیت ملی را باید از مطالب روزنامه ایران فهمید که نوشته «پزشکیان احتمالاً تصمیم‌گیری درباره فیلترینگ رابه شورای عالی امنیت ملی می‌برد». روزنامه دولت نوشت: «برخی گمانه‌ها و اظهارنظرهای تأیید نشده از این حکایت می‌کنند که تصمیم‌گیری برای رفع فیلترینگ، احتمالاً از شورای عالی قضای مجازی به جایی بازگردد که از ابتدا درباره آن تصمیم‌گیری شد. کما اینکه در هفته‌های گذشته کارشناسان حوزه ارتباطات هم چنین پیشنهادی را مطرح کرده‌اند.»

آقای قالیباف، به مردم برگردید

با این فضای تعریف شده توسط روزنامه ایران، روزنامه شرق پایش را جلوتر گذاشته و می‌نویسد: از قالیباف سؤال کنیم؛ آیا پروژه حکمرانی نوبانرسیدنش به پاستور پایان یافت؟ آیا هنوز هم اعتقاد دارد «هر دو قطبی‌ای که در کشور ایجاد کنیم، به نفع دشمن است»؟ آیا قانون جدید حجابی که دست‌پخت تیم نزدیک به اوست، جامعه را دو قطبی نمی‌کند؟ آیا به دست آوردن دل آقاتهرانی و پاچوش‌ها تا این اندازه اهمیت دارد؟

اگر صحنه‌هایی مثل دانشگاه علوم تحقیقات در میدان شهر رخ دهد، چه؟

در مقابل این تحلیل اما دیدگاه دیگری وجود دارد. امیرحسین بانکی پور، از طراحان و حامیان قانون حجاب، در گفت‌وگو با شبکه اینترنتی دانشگاه تهران، در تشریح جزئیات قانون عفاف و حجاب، اظهار کرد: جمهوری اسلامی نظامی حکومتی است که بر محور اسلام و براساس خواست مردم تشکیل شده است. اگر روزی برسد که عمده مردم چیزی را نخواهند، قطعاً محقق نخواهد شد و قابل اجرا نخواهد بود. البته در آمریکا نیز اکثریت مردم کمک به اسرائیل را نمی‌پذیرند، اما انجام می‌شود.

وی با اشاره به وجود آزادی بیان در جمهوری اسلامی، افزود: حکومتی که بر محور ترس اداره شود، نمی‌تواند ادامه یابد. حسن جمهوری اسلامی این است که مخالفین آن فریاد می‌زنند و حتی در مناصب دولتی حضور دارند، اما ادعای می‌کنند که در ایران آزادی نیست.

نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس بیان کرد: افکارسنجی‌های گویندا اکثریت جامعه حجاب را قبول دارند؛ این اکثریت گاهی ۸۰ درصد بوده و گاهی ۶۰ درصد. اما طبق همین نظرسنجی‌ها، اکثریت جامعه بگیر و ببند و گشت ارشاد را قبول ندارند. البته اکثریت خیلی چیزها را قبول ندارند، مانند سربازی، شما از دانشجویان نظرخواهی کنید، می‌بینید اکثریت آنان تمایل دارند به هر میزان که می‌خواهند، در کلاس‌های درس غیبت کنند و حذف نشوند. آیامی‌توان چنین چیزی را در دانشگاه قانونی کرد؟

وی با بیان اینکه قانون عفاف و حجاب مظلوم واقع شده است، عنوان کرد: اکنون کسانی که اوایل انقلاب به پیشانی دخترهای مردم پونز فرو می‌کردند، به ما برای تدوین این قانون انتقاد می‌کنند. به علاوه تا همین چند ماه پیش، در روزنامه کیهان و گروه‌های ای‌تپه مابرای قانون عفاف و حجاب هجمه وارد می‌کردند و می‌گفتند شما بگرام فرهنگی نوشته‌اید با این قانون و در حال عقب‌نشینی در حوزه حجاب هستید. با وجود تمام انتقادات، ما از این قانون حمایت و بنده به‌طور کامل آن را رد نمی‌گیریم. کسانی که نقد می‌کنند، اسلام‌متن قانون را نخوانده‌اند. انتقادات دولت نیز هیچ‌کدام منطبق بر متن قانون نبود.

نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس تأکید کرد: اگر یک قانون متعادل در زمینه حجاب نداشته باشیم، خصوصاً در تابستان تنش‌های بسیاری ایجاد خواهد شد و هرج و مرج‌های اجتماعی رخ می‌دهد که به نفع هیچ‌کس نیست. اگر در تابستان ۵، ۶ صحنه مانند چیزی که در دانشگاه علوم تحقیقات دیدیم، در میان شهر رخ دهد، چه تنش‌هایی بین مردم ایجاد خواهد شد؟ ما دغدغه خانواده‌ها داریم، در تمام دنیا، بهرنگی خانواده‌ها را از هم پاشیده است. خانواده مهم‌ترین چیزی است که برای ما

ایران

مانده‌ها و ما باید آن را حفظ کنیم.

تنش زدایی به چه قیمت؟



اما نقدها به دولت و بدنه کارشناسی آن هنوز ادامه دارد. آن‌هم نه در بحث حجاب و فیلترینگ که بیشتر در سیاست خارجی. سعید جلیلی در یک نشست گفت: در نقطه عطف و بزرگ‌ترین تاریخ که فرصت بزرگ برای مردم ما و مردم منطقه است می‌بینید که چه حرکت‌هایی شکل می‌گیرد. در همین ۱۴ ماه (می‌گویند) مردم ما خسته‌اند مگر ما از فلسطینی‌ها، فلسطینی‌تری شده‌ایم. تو می‌دانی چگونه صورت مسئله را تعریف می‌کنی؟

نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی با اشاره به اینکه دشمن، دانشمندان را مورد هدف قرار می‌دهد، گفت: همین مردک نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نام شهید فخری زاده را مطرح کرد و دست به ترور ایشان زد. وی افزود: (می‌گویند) این تله جنگ است، مادر تله نمی‌افتیم. جلیلی در ادامه گفت: شما یک زمانی می‌گفتید که راه حل این است که برویم توافق کنیم و این توافق مسائل را حل کنیم، سپس مذاکره و توافق کردید و شما هر تعهدی که داشتید را انجام دادید ولی طرف کلا خارج می‌شود. بعد همان شخص دوباره سرکار آمده و شما پیشاپیش دارید مطلب می‌نویسید که ما حاضریم توافق جدید کنیم و در موارد جدید توافق کنیم.

تنش زدایی به چه قیمت؟

ظریف‌نه، شما چه می‌گویی؟

سایت اصلاح طلب عصر ایران در پاسخ به این اظهارات جلیلی نوشت: جالب است؛ نامزدی که دو بار با شعارهای مشخص وارد از طریق صندوق رأی به او نشان دادند که طرفدار مذاکره و گفت‌وگو هستند، باز هم میکروفون به دست گرفته و به برجام و حامیان گفت‌وگو حمله می‌کند. نکته قابل تأمل اینجاست که مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب در زمان دبیری او بر شورای عالی امنیت ملی، به بن بست کشیده شد. تنها توافق او با طرف مقابل، تعیین مکان مذاکرات بعدی بود.

ویلیام برنز، دیپلمات آمریکایی، در اشاره به نخستین مذاکره خود با جلیلی در ژنو می‌گوید: «جلیلی نطقی ۴۵ دقیقه‌ای درباره تاریخ و فرهنگ ایران ایراد کرد و در جای جای آن بر نقش سازنده ایران در منطقه تأکید داشت. وقتی می‌خواست از ارائه پاسخ‌های صریح طفره برود، سعی می‌کرد افراد حاضر را گیج کند. این سخنرانی یکی از همان مواقع بود. در بخشی از صحبت‌هایش هم گفت به صورت پاره‌وقت در دانشگاه تهران تدریس می‌کند و آنجا بود که احساس کردم اصلاً به دانشجویانش حسادت نمی‌کنم.»

نتیجه این نطق‌های تاریخی جلیلی چه بود؟ قطعنامه‌های پی‌درپی علیه ایران که حتی چین و روسیه نیز به آنها رأی مثبت دادند. بخش زیادی از مشکلات امروز کشور، نتیجه عملکرد افرادی چون جلیلی است؛ کسانی که خود را دلسوزتر از مردم می‌دانند، اما هیچ درکی از واقعیت‌های جامعه ندارند. آنها مشکلات را «امتحان الهی» می‌دانند و باور دارند که با ادامه همین مسیر، موفق خواهند شد. در مقابل، مردم چنین باوری ندارند. فشار اقتصادی کمر جامعه را شکسته است. شکاف‌های اجتماعی و فاصله طبقاتی به اوج خود رسیده و این آقایان همچنان مشغول شعار دادن هستند.

استفاده از مشاوران نفوذی و آقا زاده‌ها ما را تبدیل به سوریه می‌کند

روزنامه کیهان اما به گونه‌ای به تأیید سخنان جلیلی پرداخته است. این روزنامه نوشت: واقعیت تلخ سوریه، غفلت عبرت‌آموزی است که داغ‌آندولس رانده کرد. گرچه جنایت، کسی را بیرون نمی‌کند ولی این را کسانی که از اسلام، تنهاریش و تکبیر رایاد گرفته‌اند نمی‌فهمند. با الله اکبر، مظلومان را می‌کشند و به جای نجات قبیله اول مسلمین، دنبال یادگار امویان می‌گردند.

با بهانه (کشور ما طاقت جنگ دیگری ندارد) از نبرد با صهیون طفره می‌روند ولی

دختران مسلمان را می‌ربایند و هم‌کیشان خود را اعدام می‌کنند. اما عبرت سقوط سوریه تنها در این نیست. نتیجه اعتماد به قول غرب و غرب‌زده‌ها و اعتماد به قارون‌های متوهم، یعنی امروز سوریه. نتیجه «زمین گذاشتن اسلحه» را می‌توان زمانی که جوانان اسیر را مجبور به عوعو کردن می‌کردند دید.

نتیجه تحقیر نیروهای نظامی با شعارهای لوس و دخترکانه، وبی توجهی به قوی شدن، یعنی امروز سوریه. نتیجه ساده گرفتن دشمن یعنی امروز سوریه. نتیجه پهن کردن سفره مشکلات کشور - که خودمان باید حلشان کنیم - در مقابل دشمنان یعنی امروز سوریه.

نتیجه گیرکردن در کلاف سردرگم «مذاکره فقط برای مذاکره» یعنی امروز سوریه. نتیجه اعتماد به مشاوران نفوذی مشکوک یا رسوایند سابقه یعنی امروز سوریه. نتیجه بی‌اولوبیتی در امور، یعنی امروز سوریه. نتیجه غفلت از زیرساخت‌های اقتصادی و امنیتی جامعه و پرداختن به هوس‌ها و وایرهای روشنفکری یعنی امروز سوریه. نتیجه به‌کارگیری مرفهین و آقا زاده‌های بی‌درد و فاصله‌دار از مردم یعنی امروز سوریه. و از این عبرت‌ها بسیار است و ای‌کاش عبرت‌گیرندگان هم بسیار بودند.

هر روز سازی می‌زنند، ما هم رقصیم

اما اگر از بگو مگوهای دو جناح قدری فاصله بگیریم، می‌توانیم به نقدی جدی‌تر اشاره داشته باشیم. یک پژوهشگر و استاد دانشگاه ضمن نقد رفتار ریاکارانه و فریب‌کارانه جریان‌های غربگرا تأکید کرد: مشکل سوریه، اسرائیل بود و نه اسلامی یا لائیک و دمکرات‌یادیکتاتوری بودن نظام سیاسی آن.

دکتر بیژن عبدالکریمی در یادداشتی نوشت: بسیار جالب است، افکار عمومی در ایران را به سمتی هدایت می‌کنند که مردم روسری از سر بردارند و علیه حکومت دینی بایستند. همان‌ها در سوریه افکار عمومی را به سمت گرایش به ریش‌های بلند سلفی هدایت می‌کنند تا علیه حکومت سکولار بجنگند و یک حکومت سلفی با قوانین اسلامی وسفت و سخت بیاورند.

بیاید کمی خودمان را از فریب‌های بزرگ رهایی بدهیم، بشار از آل سعود دیکتاتور تر است یا از آل خلیفه؟ آزادی‌های سیاسی و اجتماعی سوریه از عربستان سعودی کمتر است؟ هر آنچه غرب کوشید تا بن سلمان در عربستان اجرا کند، سال‌ها قبل در سوریه وجود داشت، نه دین اجباری بود، نه حجاب. مشروب هم سرو می‌شد. بین دختر و پسر هم دیوار نبود و... بروید فیلم‌های سوریه که قبل ۲۰۱۰ در یوتیوب بارگذاری شده‌اند را ببینید، کشوری توریستی که کنسرت‌های خارجی که الان در عربستان مد شده، در آنجا برگزار می‌شد. هیچ شباهتی به کشورهای عربی دیگر نداشت، از همه هم سکولارتر بود. اما، اما و برای اسرائیل یک تهدید بود و غرب این را نمی‌پذیرد.

عبدالکریمی می‌افزاید: بحث نه بر سر دین شماست، نه دیکتاتور بودن یا نبودن حکومت شما و نه حتی سکولار یا مذهبی بودن آن... هر کدام از اینها به مقتضای نیاز آنها می‌تواند برای ما مردم این منطقه زیبا یا زشت جلوه کند. ما مردم خاورمیانه کی می‌خواهیم به خود بیایم و دست از بازپچه سیاست‌های غرب و شرق شدن برداریم، خدا می‌داند. هر روز سازی می‌زنند و ما هم به هر سازشان آنگونه که می‌خواهیم، می‌رقصیم.

آمریکاوروسیه تپانی کردند و دست اردوغان را باز گذاشتند

انتقادات در مورد سوریه فقط به فضای داخلی بسنده نمی‌کند و می‌توان به سطوح منطقه‌ای و جهانی آن نیز اشاره داشت. روزنامه جمهوری اسلامی در یادداشتی با پرتناقض خواندن وقایع سوریه در منطقه، چنین سرنوشتی را برای دیگر شیوخ منطقه هم‌محتمل می‌داند.

این روزنامه در این زمینه نوشت: ورق خوردن تاریخ سوریه که این روزها شاهدش هستیم، یکی از عجیب‌ترین و پرتناقض‌ترین وقایع منطقه است. این واقعه، که هنوز بسیاری از لایه‌های آن شکل نگرفته‌اند، قطعاً به سوریه محدود نمی‌شود و تمام منطقه خاورمیانه را در بر می‌گیرد.

عجیب بودن آنچه در سوریه رخ داده است را از سرعت بیش از حد انتظار آن می‌توان فهمید و تناقضات آن نیز از لایه‌های حوادث ۱۱ روزه مختص تغییر و تحول و آنچه اکنون و هر روز شاهد هستیم سر برمی‌آورند. این مجموعه را می‌توان در چند محور مرور و تأمل در آن‌ها برای آینده سوریه و منطقه گمانه‌زنی کرد.

این روزنامه نوشت: فروپاشی حزب بعث سوریه و رژیم اسد که توانست در برابر سیل پر قدرت بهار عربی مقاومت کند، یک اتفاق ساده نبود. بده‌بستان‌های بین‌المللی در سطح بزرگ‌ترین دولت‌های غربی و شرقی، عامل اصلی این فروپاشی بود و برخلاف تحلیل‌های ساده‌انگارانه‌ای که بعضی‌ها ارائه می‌کنند، روسیه برای دستیابی به منفعت بالاتر وارد این معامله شد.

دادن پناهندگی به بشار اسد و انتقال همراه با امنیت کامل او به مسکو، سرپوش فریبنده‌ای برای مغفول نمودن معامله‌ای بود که روسیه با آمریکا انجام داد. حالا هم تمام امکانات نظامی روس‌ها بدون آنکه مورد تعرض قرار بگیرند، در برابر چشمان افراد مسلح مسلط بر سوریه به روسیه منتقل می‌شوند، درست مثل همان امنیتی که برای انتقال بشار اسد به روسیه با توافق طرفین تأمین شده بود.

اتحادیه عرب در برابر شورش عوامل خارجی علیه یک عضو خود ساکت ماند، شاه بحرین از جولانی اعلام حمایت کرد، دوشین نشین جنوب خلیج فارس به جولانی کمک مالی کردند و آل سعود هم‌زمان با شادی بایدن و کف زدن دولتمردان آمریکایی برای جولانی، رقص شمشیر کردند. آنها آیامی‌دانند و بی‌تشان هم فرآ خواهد رسید؟

